

میزگرد:

بررسی شیوه‌ها و محورهای مطالعاتی خاورشناسان در زمینه تشیع

موضوع میزگرد «بررسی شیوه‌ها و محورهای مطالعاتی خاورشناسان در زمینه تشیع» است. حاضران عبارتند از: حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محسن الویری، جناب آقای دکتر علی معموری و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر تقی‌زاده، رئیس مؤسسه شیعه‌شناسی آقای محمود تقی‌زاده داوری، مدرس حوزه، دکتری فلسفه اجتماع از انگلستان، مؤسس و رئیس اولین مؤسسه شیعه‌شناسی در ایران در سال ۷۹، مؤسس اولین مجله‌های شیعه‌شناسی در ایران، مؤسس و مدیرمسئول مجله بانوان شیعه و مدیرمسئول ماه‌نامه اخبار شیعه، پانزده عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف دارد؛ از جمله: *تصویر امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام و تصویر تشیع در دایرةالمعارف اسلام* همراه با نقد این دو کتاب. دبیر علمی این میزگرد نیز جناب آقای دکتر نعمت‌الله صفری، استادیار و عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی، مدیر گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی علیه السلام، عضو هیئت مدیره انجمن تاریخ پژوهان، عضو هیئت تحریر نشریه مجله تخصصی *نامه تاریخ پژوهان*، مدیرمسئول مجله *سخن تاریخ*، نویسنده چهار کتاب در زمینه‌های فقه، تاریخ و حدیث، و چهار کتاب با مشارکت پژوهش‌گران و حدود سی مقاله مختلف هستند که در نشریات تخصصی منتشر شده است. هم‌چنین هشت تقدیرنامه کشوری دارند.

دکتر صفری: ابتدا از اساتید محترم، سروران و طلاب که از صبح تا به حال در جلسه شرکت کردند و همین‌طور از مسئولان برگزاری همایش که از دو سال پیش، دغدغه این همایش را داشتند و امروز همایش نخست به خوبی برگزار شد، تشکر می‌کنم. ان شاء الله این همایش تجربه‌ای باشد برای همایش‌های دیگر. هم‌چنین از جناب استاد دکتر آیینه‌وند که مسئولیت علمی این همایش را بر عهده گرفتند، به‌طور ویژه تشکر می‌نمایم. هم‌چنین از سرورانی که در جلسه حضور دارند، سپاس‌گزارم.

درباره روی‌کرد مطالعات غربی‌ها به تشیع، ممکن است این شبهه پیش بیاید که اینها باز هم پیش‌قراولان استعمار نو هستند و می‌خواهند تشیع را بشناسند، آسیب‌شناسی بکنند و نقاط آسیب تشیع را ببینند و از آن‌جا تشیع را زیر سؤال ببرند. شاهد صحبت‌م، بزرگ‌ترین مراکز شیعه‌شناسی است که هم‌اکنون در اسرائیل فعال هستند و معمولاً کتاب‌هایی چاپ می‌کنند تا بتوانند به شیعه ضربه بزنند، مانند *القرائن سیائی* که صریحاً قرآن را تحریف کرده و به یکی از اصحاب ائمه معروف است و این را الان به عنوان تشیع مطرح می‌کنند. با این روی‌کرد، آیا می‌توانیم جنبه‌های مثبتی هم در روی‌کرد غربی‌ها به تشیع ببینیم یا خیر؟

دکتر تقی زاده: انگیزه‌های مستشرقان هر چه باشد، نمی‌شود کتمان کرد که اصولاً دانش امروز باید متناسب با خرجی که برای آن می‌شود، خرجش را در بیاورد. امروز خانم تاجر می‌گوید، اگر می‌خواهید هوای سالم بخورید، خرجش را بدهید؛ هوا را برای شما سالم نگاه می‌دارم، خرج و مالیاتش را بدهید. در واقع امروزه دیگر دانش برای دانش وجود ندارد. اگر فرد شرق‌شناس در زمینه برژنت استادیسم و یا شیعه استادیسم مطالعه می‌کند، در واقع از بازار کار، مخارج رشته خودش را تأمین می‌نماید و با مشاوره‌هایی که به دولت، دستگاه‌های اقتصادی و تجاری می‌دهد، خرجش در می‌آید. بنابراین دانش جدید، در خدمت تجارت است. منصفانه و صادقانه باید گفت که حتی سیاست جدید در خدمت تجارت قرار دارد. اگر دولت‌مردی نخست‌وزیر بشود و بازار

اقتصاد جامعه را شکوفا کند، باقی می‌ماند و اگر نتواند، استعفا می‌کند. بنابراین شرق‌شناسی جدید، اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی جدید جوامع اسلامی و شرقی و گروه‌های شیعی را می‌شناسد، برای این‌که در خدمت سیاست و اقتصاد قرار بگیرد و از این طریق به پویایی سیاست و اقتصاد آن جامعه‌ای که این دانشکده و رشته در آن‌جا قرار دارد کمک بکند.

مجری: جناب آقای دکتر معموری! مستشرقان در حوزه تشیع، به چه موضوعاتی علاقه‌مند هستند. خواهش‌مند است این موضوعات و همین‌طور روش‌های آنها را دسته‌بندی فرمایید؟

دکتر معموری: ابتدا اگر اجازه بدهید، نقدی را مطرح بکنم. عنوان پیش‌همایش اول، مسائل مربوط به روش‌شناسی بود، اما آن‌چه در فهرست مقالات دیدم، به مسئله روش‌شناسی بسیار کم متکی بود. و عمده‌تاً به محتویاتی از مباحث خاورشناسان در مورد شیعه و تشیع توجه داشت. به نظر من، مسئله روش‌شناسی یکی از مطالعات خیلی مهم در مطالعات خاورشناسی است. معمولاً در مواجهه با مجموعه مطالعاتی که آنها انجام دادند، در بیشتر موارد به نوع اظهارنظری و داوری و ارزیابی آنها توجه کرده‌ایم و آنان به طور طبیعی از دیدگاه یک مسلمان یا شیعه مسئله را نگاه نکرده‌اند و در استنتاج و نتیجه‌گیری تفاوت‌هایی داشته‌اند. به نظر بنده، نکته مهم در ارزیابی و نتیجه‌گیری نهایی آنها نیست، بلکه در نوع متد و روشی است که در مطالعه متون و اندیشه‌های شیعی به کار می‌برند.

هم‌چنین خاورشناسان در مطالعه تشیع روش خاصی ندارند. روش‌های آنها به کار می‌گیرند، در مجموعه دانش‌های مربوط و نزدیک به حوزه مطالعات اسلامی و به طور خاص، در حوزه مجموعه علوم اجتماعی و علوم انسانی به معنای وسیع خودش وجود دارد. شاهدیم که خاورشناسی یک ره‌یافت مردم‌شناسی و یک ره‌یافت زبان‌شناسی و دانش‌هایی از این دست را به کار می‌گیرد و به یافته‌ها و داده‌های جدید در حوزه تشیع می‌رسد. آن‌چه باید بیش از همه برای ما جالب توجه باشد و روی آن کار بکنیم، نوع روشی است که

خاورشناس به کار می‌گیرد. اگر این روش علمی و قابل دفاع و الگوبرداری باشد، من هم می‌توانم آن را تکرار بکنم و اگر این کار امکان‌پذیر نباشد، آن روش را نقد می‌کنم.

بعد از این مقدمه، به روش‌های کاربردی خاورشناسان و دسته‌بندی موضوعات می‌پردازم. بر مبنای دسته‌بندی متداولی که در روش تحقیق وجود دارد، مطالعات یا نظری هستند یا میدانی. در بین مطالعاتی که خاورشناسان در حوزه مربوط به تشیع انجام دادند، این دسته‌بندی، به نوعی وجود دارد. در حوزه مطالعات نظری به طور مشخص، تاریخ اندیشه‌ها را به شکلی خیلی برجسته و پررنگ می‌بینیم. از موضوعاتی است خاورشناسان که به طور جدی به آن علاقه‌مند بودند و روش مربوط به آن را خیلی به کار گرفتند. برای اندیشه خاصی مثل عصمت یا امامت توجه نمودند و دوره‌ای را برای مطالعه انتخاب و برجسته کردند سپس نقطه شروع را شناسایی نمودند خاستگاه‌ها، زمینه‌ها و منابع را بررسی کردند و آمیزش‌ها و زایش‌ها را پس از استخراج، نشان دادند؛ پس از برجسته کردن نقاط عطف و تحول، در پایان، ترسیمی از نمودار پیدایش و پیشرفت این آموزه را ارائه کردند. این یک زمینه است.

زمینه دیگری که به ویژه در سده اخیر بسیار به آن توجه شده و آثار خیلی زیادی در مجموعه مطالعات خاورشناسان به خصوص شیعه‌شناسی داشته، مسئله ره‌یافت‌های زبان‌شناسی به طور خاص است که یکی از آن نمونه‌های ریشه‌شناسی ایتمولوژی است، یعنی کار بر روی یک واژه؛ کاری که ما هرگز به این قدر، حال و حوصله و تتبع و فراغتش را معمولاً نداریم. مانند کار بر روی واژه‌ای بخصوص مثل «وجود» در فلان حدیث شیعی یا «عشق» در فلان دعای شیعی که این واژه می‌توانسته نمی‌توانسته در آن دوره وجود داشته باشد؛ این واژه اساساً عربی است یا خیر؛ از چه منطقه‌ای وارد شده؛ اگر عربی است، در چه دوره‌ای این ساخت را پیدا کرده، و اگر غیرعربی است، ورودش به چه دوره‌ای مربوط می‌شود؟ این مبنا، هم امکان تاریخ‌گذاری آن متن فراهم می‌آید و هم امکان نقد آن. نمونه‌هایی در مورد **نهج البلاغه** داریم، مثل واژه تلاشی در

خطبه‌های اول این کتاب. در خصوص این واژه چندین مقاله وجود دارد که کلمه تلاشی دقیقاً چه معنایی دارد و این کلمه از واژه لاشی آمده، و از ترجمه متون یونانی به عربی تأثیر پذیرفته و در زبان عربی زمان حضرت امیر چنین واژه‌ای وجود نداشته باشد.

روش بعدی، معناشناسی است که از زیرشاخه‌های زبان شناسی به شمار می‌آید که به آن نمی‌پردازم. زمینه دیگر، روایت‌شناسی است که نمونه‌هایی از آن را در مقاله خودم آورده‌ام و در مورد آن توضیح نمی‌دهم.

در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، خصوصاً در دهه‌های اخیر و به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به طور خاص، بعد از سقوط رژیم صدام در عراق که تشیع به شکل خاصی در ایران تبدیل شد - به اصطلاح برخی از سیاسیون جهان عرب، به صورت یک هلال درآمد - زمینه و علاقه‌مندی برای چنین تحقیقاتی و هم‌چنین بازار تجاری و پولی خوبی به تعبیر آقای دکتر تقی‌زاده، فراهم آورد و در سه چهار سال اخیر این نوع تحقیقات بسیار مشهود است.

در حوزه مطالعات میدانی، دو مورد و شاخه را من مشخص بکنم. در حوزه مردم‌شناسی، مطالعات متعددی را می‌توانیم ببینیم، گرچه این مطالعات متأسفانه متناسب با جامعه شیعه نیست. علت هم تا حدودی به دور بودن مناطق شیعی و ناشناخته بودن شیعه، به ویژه در آغاز دوره مطالعات خاورشناسی، برمی‌گردد.

در حوزه باستان‌شناسی نیز خاورشناسان در حوزه شیعه مطالعاتی را انجام داده‌اند که البته آنها متأسفانه به طور خاص، بر تشیع تمرکز نکرده‌اند، آنها به دنبال مطالعه میراث قدیم عراق بوده‌اند و در لابه‌لای آثار بابلی، کلوهای و آشوری، به نمونه‌هایی مربوط به تاریخ تشیع برخوردند یا مواردی که اساساً به نوعی ارتباط پیدا کرده است. مانند معنای واقعی واژه کربلا؛ آیا واقعا همان‌گونه که مداحان می‌فرمایند، از کرب و بلا آمده یا در واقع واژه بابلی قدیم است از کاردیلا. در مورد مسجد ردّ الشمس، در منطقه نزدیک به حلّه کنونی عراق، که در واقع میراث بابلی خیلی قدیم داشتیم، یک معبد خورشیدپرستی یا تقدیس خورشید در این منطقه بوده است. این نمونه مطالعات باستان‌شناسی، متمرکز و

با هدف شیعه‌شناسی صورت نگرفته و بیشتر با هدف شناسایی میراث باستانی قبل از اسلام بوده و به تناسب، به موضوعات مربوط به شیعه هم برخورد کرده است.

این یک دسته‌بندی کلی و عمومی به شمار می‌آید. که ریزه کاری‌هایی به دنبال دارد.

مجری: از جناب آقای دکتر معموری تشکر می‌کنم.

مجری: جناب آقای دکتر الویری، اگر فواید و نکات مثبتی در مطالعات خاورشناسان می‌بینید بفرمایید؟

دکتر الویری: همان‌طوری که اشاره شد، مطالعات شیعی در آثار مستشرقان این گونه نیست که تنها با دید منفی به آن نگاه بکنیم و فقط بگردیم کجا می‌خواسته‌اند به ما ضربه بزنند. نوع مطالعات آنها از لحاظ محتوایی و اغلب از لحاظ روشی، جنبه‌های مثبتی دارد که خوب است شناخته بشود. مطالعات عمومی مستشرقان از جمله مطالعات شیعی آنها، کپی از این جنبه‌هاست. مهم‌ترین نکته در این زمینه، همان مقوله‌ای است که با نگاه بیرونی به یک رویداد تاریخی از آن یاد می‌کنیم. مطالعات شیعی که در درون و در فضاهای شیعی صورت می‌گیرد، بی‌تردید اغلبش درون‌گفتمانی بوده است. در نگاه درون‌گفتمانی، به ناچار از پرداختن و عنایت به پاره‌ای از ابعاد و وجوه یک حادثه غافل می‌مانیم، اما در نگاه بیرونی، ابعادی از یک موضوع برای ما روشن می‌شود که در نگاه درونی به آن نمی‌توان رسید. فضا را در نگاه درونی به گونه‌ای می‌بینیم و با نگاه بیرونی به گونه‌ای دیگر.

جنبه دوم، وجه بهره‌مندی از پاره‌ای روش‌های به خصوص اجتماعی برای فهم فرآیند تاریخی شیعه است. این‌جا نمی‌خواهم عناوینی را که جناب آقای معموری مطرح کردند، تکرار بکنم و بحث‌هایی که خواستگاه زبان‌شناختی دارند، مورد نظر نیست. برای مثال، به نمونه‌ای عینی اشاره می‌کنم. کتابی که صبح به مناسبت، در لابه‌لای عرایض اشاره کردم و به همت دکتر تقی‌زاده و مؤسسه‌شان چاپ شد، یعنی شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده که در

ماجرای جنگ علیه لبنان صورت گرفت، پیشنهاد داشتم که بیشتر مورد توجه رسانه‌ها قرار بگیرد. با نگاهی خاص و با بحثی نظری درباره مفهوم هویت، نگاشته شده است. یعنی وضعیت کنونی شیعیان را در جهان مطرح کرده، منتها مدخل ورودش - به اصطلاح روش تحقیق و چارچوب نظری‌اش مسئله هویت است. این نوع روش‌ها برای ما واقعاً می‌تواند سودمند باشد و می‌توانیم حوزه‌های جدید مطالعاتی‌مان را سامان بدهیم.

اکنون به برخی از حوزه‌هایی که مشخصاً مربوط به شیعه و محل تأمل آنهاست و از همین روش‌ها استفاده می‌کنند، اشاره می‌کنم

برای مثال، بحث سازوکار درونی شیعه که اصلاً در درون محیط‌های شیعی فعالیت‌ها چگونه سامان پیدا می‌کند، چه فرآیند و سازوکار درونی در این میان وجود دارد. مسئله ساختار روحانیت و آن هر می که شیعیان پذیرفته‌اند که با همان مسئله سازوکار هم پیوند وثیقی دارد یا مثلاً مسئله پیامدهایی که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه و در سطح جهان می‌تواند داشته باشد. تمام اینها از آن منظرهای خاص، مانند کتاب فرانسوا توال به نام ژئوپولیتیک تشیع، عمدتاً زاویه دیدش این گونه است، منتها به یکی از مسائل مورد علاقه ما هم می‌پردازد و یا نوع مواجهه با شیعه و این که آیا می‌توان در بین شیعیان جهان نکات مثبتی را یافت و رویش سرمایه‌گذاری کرد و در جهت آن حرکت نمود و به یک معنا با تکیه بر آن شیعیان را به دو دسته تقسیم کرد: شیعیانی که به تشیع ایرانی و انقلابی گرایش دارند و در فضای گفتمانی امام علیه السلام قرار می‌گیرند و آنهایی که این گونه نمی‌اندیشند. اینها اغلب هنگام پرداختن به این حیطه‌ها، از مباحث نظری استفاده می‌کنند که می‌تواند مطالعات ما را سامان و جهت دهد.

مجری: جناب آقای دکتر تقی‌زاده، طبق فرمایش خودتان، اگر افقی را نیاز هست که باز بکنید یا فرمایش قبلی‌تان را تکمیل نمایید، در خدمت شما هستیم: دکتر تقی‌زاده: این بخش صحبت‌م عمدتاً خطاب به طلاب جوانی است که از کشورهای مختلف آمده‌اند و در قم تحصیل می‌کنند. بی‌تردید، شیعه به لحاظ تاریخی، امروزه بهترین موقعیت خودش حفظ می‌کند. به تاریخ و به زمان‌های

گذشته برمی‌گردیم؛ موقعیت سیاسی جامعه شیعی در کل و به صورت یک کل، امروز ممتازترین است. به لحاظ تاریخی، هیچ دوره‌ای مانند امروزه، جامعه شیعی از عزت و نعمت برخوردار نموده و چنین استقلال سیاسی کاملاً برتر و شناخته شده، جایگاه معنوی و فرهنگی کاملاً فعال و پویا در عرصه فرهنگ جهانی نداشته است؛ به گونه‌ای که در همایش جهانی زنان که چند سال گذشته در چین تشکیل شد، شنیدم نماینده پاپ و واتیکان، پشت و دنباله نماینده ایران بود و از او حمایت می‌کرد. نماینده ایران در حمایت از حقوق زن و خانواده جلودار بود. سال گذشته همایشی تحت عنوان اسلام و فویبا در سازمان ملل گذاشته شد و یک سخن‌ران ویژه داشت - کینگ اسپیکر - آقای دکتر سیدحسین نصر از جهان شیعه تابستان گذشته برای اولین بار در جامعه شوروی، همایشی بین‌المللی در روسیه گذاشته شد. و جناب آقای تسخیری به عنوان نماینده جهان اسلام، مقابل آقای پوتین سخن‌رانی کرد. سنی‌ها بودند و هستند، اما امروز نمایندگان شیعی جلودار و علم‌دار اسلام در دنیا هستند. پس موقعیت شیعه امروز کاملاً در عرصه جهانی ممتاز و متمایز است. و نباید اجازه بدهیم این موقعیت از دست برود. بهترین استفاده از این موقعیت، این است که خودمان را بنویسیم؛ خودمان را بنویسیم؛ خودمان را بنویسیم. جمعیت، آداب و رسوم شیعیان ترکیه و عراق را امروزه چه کسانی می‌نویسند همین رشته‌های شرق‌شناسی می‌نویسند که داریم بحث می‌کنیم، خوب است یا بد؛ با آنها ارتباط داشته باشیم یا نه؟ آقای دکتر الویری گفتند: شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده؛ چه کسی نوشته، فولر، دوازده سال در منطقه آمده با آن مصاحبه کرده است. این اطلاعات چه طوری باید جمع‌آوری بشود؟ نمونه‌ای از لحاظ تاریخی: دانشی به نام اتمولوژی داریم، یعنی قوم‌شناسی یا مردم‌شناسی می‌گویند. فرانسوی‌ها به آن «اتمولوژی»، ولی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به آن «انترپولوژی» می‌گویند. کالچرال انترپولوژی (انسان‌شناسی فرهنگی)، چطوری به وجود آمد؟ استعمار این دانش را به وجود آورد. نمایندگان بریتانیا و فرانسه با حضور در کشورهای مستعمره، اطلاعات آن‌جا را جمع می‌کردند و به

دانشگاه‌های سوربن و لندن می‌فرستادند مجموع اطلاعات انباشته شده، دانشی را به وجود آورد که امروزه به آن انسان‌شناسی یا مردم‌شناسی می‌گویند. امروزه اگر دانشجوی ما بخواهد زبان فورس قدیم را یاد بگیرد، باید آن‌جا برود. کل میراث تاریخی کشورهای مستعمره را آنجا، جمع کرده‌اند و آموزش‌ها را باید امروزه در قم همان کار استعماری را بکنیم. متأسفانه شنیده‌ام مدرسه‌ای که میرحامد حسین هندی با تلاش بسیار ایجاد کرد، امروزه در حال از بین رفتن است، عکسش هم نیست؛ نمی‌شود اینها را حفظ بکنیم؟ حداقل عکس و آثارش را حفظ بکنیم.

حالا اگر از این دانشجو بخواهم اطلاعات شیعیان افغانستان، پاکستان، تایلند و اندونزی را برای من جمع‌آوری بکند، او باید روش‌شناسی بخواند. روش‌های موجود حوزه‌ای این روش‌شناسی را آموزش نمی‌دهد. او وقتی در قم آموزش می‌بیند و برمی‌گردد، فقط دعاخوان یا مسئله‌گو می‌شود. او باید جامعه شیعی را به شیوه علمی مطالعه بکند. اگر آن‌جا خورده‌فرهنگ است، خورده‌فرهنگش را، آداب و رسومش و شعائر را، شیوه تغذیه، بهداشت و پوشش آن را، دست‌یابی به قدرت‌ش را، ارتباط با سایر فرهنگ‌ها و موضوعات ریز را باید بنویسد و به قم بفرستد تا در فصل‌نامه شیعه‌شناسی و اخبار شیعیان چاپ بکنیم. امروزه باید این کارها را انجام دهیم. امتیاز خوبی که حوزه‌های ما دارند این است که پولی نیستند. شهید مطهری یا شهید محمد باقر صدر^{علیه‌السلام}، خودجوش بودند و خودشان را به این جاها رساندند. الان بحمدالله بودجه هست، ولی باید همت‌هایمان را بلند کنیم و شخصیت و هویت جمعی شیعیان تایلند، افغانستان، شیعه پاکستان را، موزامبیک یا افریقای جنوبی را بنویسیم. سال به سال اطلاعات باید نو بشود بسیاری از اقوام مهاجرت می‌کنند و این میراث از بین می‌رود؛ این میراث باید حفظ بشود. تابستان گذشته رفتم آذربایجان، خون گریه کردم؛ بیشتر از هشتاد درصد جمعیت این مردم شیعه هستند، اما اصلاً شعائر اسلامی و شیعی در آن‌جا دیده نمی‌شود. در گلزار شهدای آنها، قدم به قدم پرچم ترکیه نصب شده است. در مسجد بزرگ که روبه‌روی پارلمان، پرچم ترکیه وجود دارد. ما نمی‌توانیم و

عرضه نداریم که این کارها را بکنیم؟ قطعاً می‌توانیم و عرضه داریم. باید به بچه‌هایمان یاد بدهیم که چگونه می‌شود جامعه را نگارش کرد و آن را شناخت؛ از کجا باید شروع کرد؟ از جمعیت و نژاد و قومیت؛ از زبان و آداب و رسوم؛ از خانواده و سیاست و اقتصاد و معیشت؛ از اوقات تفریحات و فراغت؛ از دین‌داری و سبک حقوقی؛ اینها را باید ثبت و ضبط و یادداشت نماییم، کمبودش را برطرف و دائماً نو بکنیم. میراث موجود شیعه را نباید دانشگاه هاروارد بیاید بشناسد. انگیزه‌هایش پذیرفته نیست. هرچه سرکار خانم والری گفت، ترجمه کردیم؛ حرف‌های خیلی بد و زشت داشت. وقتی یک تحصیل‌کرده آن ترجمه را دید، گفت چاپش نکنید چون شیعه‌شناسی شما می‌رود روی هوا و مردم عصبانی می‌شوند. او خیلی حرف‌های بدی زده و انگیزه خودش را دارد. مثلاً یک قوم و قبیله‌ای خودش را معرفی نمی‌کند، انتظار دارد دیگران آنها را تعریف بکنند؛ این چه انتظاری است؟ چند تا جامعه‌شناس و متخصص شیعه وجود دارد؟ این را باید به ما بگویند؟ ما این را نمی‌فهمیم. پیرمردهای ما، امروزه مشکلات خودشان را دارند، اما ما جوان‌ترها اینها را نمی‌فهمیم؟ از آکسفورد می‌آیند ما را بشناسند؛ چرا خودت، خودت را نمی‌شناسی؟ چرا این دانش رواج پیدا نمی‌کند؟ چرا آقا روش‌شناسی نمی‌خواند؟ گاه این روزها در حوزه، چیزهایی را می‌شنوم مثلاً تشیع‌شناسی را با شیعه‌شناسی خلط می‌کنیم؛ شیعه جمع جماعت و گروه است؛ شناخت گروه، با شناخت آمیزه‌ها تفاوت دارد. شیخی تفسیر قرآن می‌نویسد، اسمش را شیعه‌شناسی می‌گذارد؛ این تشیع‌شناسی است. شناخت تشیع به منزله یک مذهب، با شناخت شیعه به منزله جمعیت، جماعت، طبقه و گروه، کاملاً متفاوت است. این مطالعه کتابخانه‌ای، و شیوه و روش میدانی دارد. حتماً باید ببینیم آقا چه کار می‌کند، تا آن را بتوانم ثبت و ضبط بکنم؟ این روش‌ها متداول و مرسوم نیست. آیا باید کسی به ما بگوید؟ ما باید اینها را ایجاد کنیم.

آقایانی که از قاره‌ها و کشورهای مختلف هستند، باید همت کنند احصائیات قوم و قبیله‌شان را جمع بکنند؛ قم برای شما می‌ماند؛ در کشور آنها ممکن است

سازمان اطلاعات آنها را از بین ببرد، باید بخش‌های مربوط به کشور خودمان شامل تاریخ، ابنیه، آثار، میراث تاریخی‌اش را این‌جا جمع بکنیم. عذرخواهی می‌کنم از این‌که تند صحبت کردم. به ذهنم رسید فرصت خوبی است که من حرف‌هایم را به دوستان بگویم. برادران عزیز، باید جمع و جماعت و قوم و قبیله‌تان را خودتان بشناسید؛ اطلاعات آنها را خودتان جمع‌آوری بکنید، جای امنش هم در همین حوزه علمیه قم است؛ در همین مدرسه‌ای که تحصیل کرده‌اید. دانشی را ایجاد بکنید؛ دانش شیعه‌شناسی که مطالعات میدانی داشته باشد.

مجری: از صحبت‌های پرسوز جناب آقای دکتر تقی‌زاده تشکر می‌کنیم در تأیید فرمایش ایشان عرض بکنم که با توجه به پتانسیلی که این‌جا وجود دارد، مطالعات میدانی را در پایان‌نامه‌ها گسترش می‌دهند ما الان چند پایان‌نامه در مورد تشیع در هند، تشیع در پاکستان، تشیع در تایلند، حتی در بعضی از مناطق خاص مثل کشمیر یا مبارک‌خور هند داریم که ان‌شاء الله به ثمر می‌رسد.

